

تحفه از جمهوری اسلامی ایران

((این چه شوربست که در دور قمر می بینم
همه آفاق پر از فتنه و شر می بینم))

مقامات مسؤول در جمهوری اسلامی ایران اینبار از روی لطف بجای سلاح و مهمات و ماین ها و جاسوس ها و خبر چین ها و جنگجو ها و...، یک کانتینرک کتاب به کشور ویرانه ما روانه داشته اند تا مردم بیسواد ما را چراغی باشد بر فراز راه پر از نشیب و فراز و در تاریکی فرورفته شان، راهیکه بس طولانی و پر مخاطره می نماید و انجامش همچنان ناپیداست. آخذ های جمهوری اسلامی ایران و مسؤولین امور فرهنگی شان با یقین کامل که در انتخاب این کتاب ها دقت فراوان بخرج داده و شبهای بس طولانی را صبح کرده و خون دل خورده اند تا از بین ملیون ها کتاب، چند هزارکی را جدا کرده و با وسواس تمام به ویرانکده ما گسیل دارند. کتاب های دست چین شده آخذک ها، هی میدان و طی میدان و خار مغیلان و کوتاهی عمر آخذ ها، سرحدات جمهوری اسلامی ایران را در نور دیده و وارد سرزمین بلا رسیده ما گردیده اند، اما از قضا که چند نفر با احساسی که دل شان برای مردم کشور شان می طپید و نیز از روی احساس مسؤولیت، کتاب ها را از نظر میگذرانند و در قدم اول به عناوین کتاب ها مشکوک میشوند و شروع به ورق زدن کتاب ها می نمایند، چندین هزار کتاب با چندین هزار عنوان، همه چاپ جمهوری اسلامی ایران و مزین با مهر و نشان جمهوری اسلامی ایران. کتاب ها توقیف میگردند و مقامات مسؤول در ولایت نیمروز، وزارت اطلاعات و فرهنگ را در جریان میگذارند و باقی قضایا.....

چرا این کتاب ها به افغانستان فرستاده شد و چرا همین کتاب ها که مورد تأیید مقامات مسؤول در جمهوری اسلامی ایران بودند، در جمهوری اسلامی افغانستان نامطلوب تشخیص داده شدند؟ آخذ های ایرانی با ارسال این کتاب ها به کشور ما، کدام اهداف نامیومون شان را نشانه گرفته اند؟ چرا آخذک ها اینبار بجای بم و خمپاره و ماین، کتاب فرستاده اند؟ آیا فرستادن یک کانتینر کتاب، بهتر از فرستادن یک قشون جنگی نیست؟! به فکر این کمترین تأثیر یک کتاب دقیق انتخاب شده، بیشتر از دوصد مرد جنگی است و قراریکه بار بار آزموده شده، دوصد مرد جنگی بهتر از صد هزار است و بدین گونه یک کتاب نامطلوب از صد هزار جنگنده، کارائی به مراتب بیشتر دارد و اینرا آخذک های جمهوری اسلامی ایران با همه کودنی شان خوب درک کرده اند. آخر این آخذک های عمامه بسر، دست پروردگان انگلیس های مکار اند و خوب فرا گرفته اند که ((**تفرقه بینداز و حکومت کن**)) . اینها همین اصل را در ایران پیاده کرده و بر اساس آن ۳۰ سال است که مردم آزاده ایران زمین را در بند کشیده اند و دمار از روزگار شان بدر آورده اند و همین اصل را در کشور بی در و دروازه ما نیز با جدیت و قاطعیت تمام دنبال میکنند و یک عده اجیر و خود فروخته و جاسوس را در داخل حکومت و پارلمان افغانستان بکار گرفته و عده از خود و از خدا بیخبر را نیز در داخل و خارج از کشور اجیر نموده اند تا هرچه بیشتر و بیشتر به تفرقه های قومی، نژادی، مذهبی و زبانی در کشور ما دامن زده و آب را گل آلود نمایند تا باشد آخذ های فتنه جو و طماع جمهوری اسلامی ایران، ماهی مورد نظر خود را صید نمایند. به همین سلسله گسیل هزاران هزار جلد کتاب به داخل افغانستان، نشان دیگری از دست بازی های حیلہ گرانه جمهوری اسلامی ایران در امور داخلی کشور ما میباشد. ننگ تان باد ای نماینده های ولایت فقی که نه از اسلام بوئی برده اید و نه هم از انسانیت و من شک دارم که قطره از خون پاک ایرانی هم در شراین شما در جریان باشد.

نظر به گزارش نشریه (العربیة فارسی) محمد انور مرادی سناتور ولایت نیمروز و عضو کمیسیون دینی و فرهنگی مجلس سنای افغانستان نیز ضمن اعلام این که "این کتاب ها از سوی کشور ایران و جهت دامن زدن به تعصبات قومی و مذهبی وارد کشور شده است" خواهان "اقدام جدی و عاجل وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان" در این زمینه گردید.

و ما هم منتظر اقدامات جدی و عاجل وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان هستیم و امیدواریم باز هم به روی این جنایت بزرگ، خاک فراموشی پاشیده نشده و از جانب وزارت خارجه افغانستان یک احتجاجیه شدید الحن به سفارت آنکشور در کابل صادر گردد و مردم کشور در جریان وقایع گذاشته شوند، (تا سیه روی شود هرکه در او غش باشد).

این عضو سنای افغانستان همچنین با اشاره به این که کارشناسان وزارت اطلاعات و فرهنگ کشور متبوع وی تایید کرده اند برنامه های تلویزیونی جمهوری اسلامی ایران در ولایت نیمروز قابل دریافت است افزود که "دولت جمهوری اسلامی ایران با نصب آنتن های قوی ماهواره ای در مرز با افغانستان می خواهد با نشر برنامه های تلویزیونی، فرهنگ این کشور را در افغانستان ترویج نماید".

با اظهار سپاس از محترم محمد انور مرادی نماینده مردم نیمروز که با جدیت قضیه را دنبال میکنند و قلب شان برای مردم در بند افغانستان می طبد ، از ایشان صمیمانه تمنی داریم تا هرچه بیشتر دست بازی های پیدا و پنهان جمهوری اسلامی ایران در امور داخلی کشور ما را افشا ساخته و در خنثی نمودن آن بالای مقامات مسؤول فشار وارد نمایند . نظر به گزارش فوق و به تأیید کارشناسان وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان ، آخذ های ایرانی بدین بسنده نکرده و با مصارف گزاف کوشیده اند تا برنامه های تلویزیونی خویش را نیز در ولایات هم سرحد با آن کشور به نمایش گذاشته و از آن طریق هم تبلیغات خصمانه و تفرقه جویانه شانرا در داخل کشور ما به نمایش درآورده اند و از ورای آن پروگرام های تلویزیونی به زهر پاشی محیلانه ای مشغول اند . امید می رود تا مقامات مسؤول کشور ما اندکی بخود آیند و احساس مسؤلیت نمایند و نگذارند آخذک های جمهوری اسلامی ایران بیشتر از این زهر تفرقه را بین مردم شریف افغانستان ریخته و به خواسته های شوم شان برسند. هرچه زودتر و عاجل تر نشرات تلویزیونی آخذ ها را در افغانستان مسدود سازید .

سفارت ایران "دشمنان" را متهم کرد

از سوی دیگر به گزارش خبرگزاری صدای افغان، سفارت ایران در کابل به رسانه های کشور افغانستان اعلام کرده است که "کتاب های ضبط شده غیرمذهبی مذکور، مربوط به کشور ایران نبوده و کار دشمنان ایران و افغانستان میباشد که می خواهند بین دو ملت تفرقه بیندازند." در همین حال آقای ارسلان رحمانی از نمایندگان مجلس شورای ملی هم در مصاحبه با خبرگزاری صدای افغان(آوا) گفت که "فرستادن اینگونه کتاب ها از مرز های ایران و پاکستان به افغانستان کار کشور های همسایه های ما نمی باشند. بلکه یک تعداد افراد فرصت طلب و سودجو می خواهند با نشر این گونه کتاب ها تفرقه میان شیعه و سنی را دامن بزنند".

بلی هیچ جنایتکاری، هرگز اعتراف نکرده است که گنهکار است و جمهوری اسلامی ایران و نمایندگان شان در کابل نیز از این قاعده مستثنی نیستند و ما هم هرگز منتظر آن نیستیم و نخواهیم بود که آنان به خطا کاری ها و دست بازی ها و تفرقه اندازی های شان در کشور ما اعتراف نموده و معذرت بخواهند. اما قرار اینکه گفته اند ((از ماست که بر ماست)) و صدق این گفته را میتوان از گفتار یک خود فروخته و وجدان و شرف باخته ای از سر زمین خویش جستجو کرد ، بلی ! شخصی بنام ارسلان رحمانی که خود را در شورای ملی جا کرده است و یا جا داده شده است ، با دیده درائی به دفاع از بادران ایرانی خویش برآمده و مدعی میشود که : ((فرستادن اینگونه کتاب ها از مرز های ایران و پاکستان به افغانستان کار کشور های همسایه های ما نمی باشند. بلکه یک تعداد افراد فرصت طلب و سودجو می خواهند با نشر این گونه کتاب ها تفرقه میان شیعه و سنی را دامن بزنند.)) ، ای وای خدایا ! واقعا ((این چه شوربست که در دور قمر می بینم)) این ارسلان را چه افتاد که آئین افغانی رفتش از یاد و تا چه اندازه باید نا فهم و بی خیر از دنیا تشریف داشته باشد که ادعا کند که فرستادن این کتاب ها از مرز های ایران و پاکستان به افغانستان کار کشور های همسایه نمی باشد و.... جناب ارسلان آیا میدانید که کتاب های فارسی بصورت کل در ایران چاپ میشوند و کتاب های پشتو در پاکستان؟! آیا میدانید که در تمام کتاب های توقیف شده اسم شرکت طباعتی و محل و تاریخ طبع آن ها درج گردیده اند؟! آیا میدانید که اسم و شهرت نویسندگان کتاب های متذکر همه درج همان کتاب ها اند؟! آیا میدانید که همه کتاب های صادره شده در کشور جمهوری اسلامی ایران به طبع رسیده اند؟! آیا میدانید که کانتینر متذکره از کشور جمهوری اسلامی ایران بار گیری نموده و بار خویش را در نیمروز- افغانستان خالی نموده است؟! و آیا میدانید که مقامات مسؤول در جمهوری اسلامی ایران تمام کتاب های راکه در آنکشور طبع میگرددند ، قبل از نشر و طبع از نظر و از زیر سانسور خویش میگذرانند و بعد اجازه نشر میدهند؟! و نیز آیا میدانید که کتاب های خاصی در آن کشور صرف به منظور صادرات طبع میشوند و در داخل ایران اجازه پخش و نشر آنها را نمی دهند؟! اگر بیاد جناب شما مانده باشد و باشندده سر زمین افغانستان بوده باشید ، باید بخاطر داشته باشید که در زمان شاه فقید ایران و آنگاهی که سر زمین آزاده ما مورد هجوم تجاوزگران روسی قرار نگرفته بود ، در میان دیگر اجناسی که از کشور همسایه ما ایران وارد افغانستان می شد ، یکی دو نوع روغن پخت و پز هم از آن کشور وارد افغانستان میگرددید که یکی از آن روغن ها بنام روغن ((شاه پسند)) بود و در هر پیپ روغن با خط درشت نوشته شده بود ((مخصوص صادرات)) و این بدان معنی

بود که مصرف آن روغن ها در داخل ایران ممنوع بود، چرا ممنوع بود؟ چون روغن های بی کیفیت بودند و.... همین گونه است کتاب ها ای که به افغانستان فرستاده میشوند ، بسیاری از این کتاب ها در داخل کشور ایران ممنوع هستند و فقط و فقط جهت صادر نمودن به افغانستان به طبع میرسند و آخذک ها از استادان انگلیس خود خوب فرا گرفته اند که جمله (مخصوص صادرات) را درج کتاب ها نکرده ولی در لست کتاب های ممنوعه در داخل ایران درج نمایند و....

از سوی دیگر همین ارسلان نام دهن باز کرده و جنگ پرانگنده است که : (("فرستادن اینگونه کتاب ها از مرز های ایران و پاکستان به افغانستان کار کشور های همسایه های ما نمی باشند. بلکه یک تعداد افراد فرصت طلب و سودجو می خواهند با نشر این گونه کتاب ها تفرقه میان شیعه و سنی را دامن بزنند.)) آیا جناب ارسلان خان گفته میتوانند که این ((افراد فرصت طلب و سود جو)) مورد نظر شان کیهانند؟ آیا منظور شان همین افراد و اشخاصی اند که بنام تاجر ، کتاب های ممنوعه را وارد کشور نموده اند و یا اینکه مقامات ایرانی مجهول الهویه دیگری هستند که در پس پرده مشغول زهر پاشی بین مردم شریف افغانستان میباشند؟! در هر حال در اصل قضیه تغییری وارد نمی شود ، چون کتاب ها همه طبع جمهوری اسلامی ایران هستند و همه در ایران بنشر رسیده و در همان کشور بسته بندی گردیده و به افغانستان فرستاده شده اند و مقامات ایرانی کاملاً در جریان قرار داشته اند و هیچگونه ممانعتی از سوی مقامات مسؤول جمهوری اسلامی ایران بعمل نیامده است و وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان را در جریان قرار نداده اند. از جانب دیگر چگونه امکان دارد که هزاران جلد کتاب در یک کشور به نشر برسد و از هر کتاب هزاران جلد تکثیر گردد و در اختیار تاجران و دلالان قرار داده شود و از چشمان تیز بین سانسور چیان پوشیده ماند ، مگر اینکه همان کشور دست مستقیم در همچو اعمال سخیف داشته باشد.

نظر به گزارش (اصلاح آنلاين) وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان گفته است: ((ما از راه گمرک که کتابها وارد میشود ، مشکل نداریم ، اما متأسفانه درحالت کنونی کشور ، راه های غیر از گمرک است که نشرات چاپی داخل میشود و مشکل به وجود می آورد.))

و این درست همان راه هائی هستند که کتاب های نا مطبوع به افغانستان فرستاده میشوند تا در کشور به تفرقه های قومی ، مذهبی ، زبانی و.... دامن زنند. اما گاهی از بیغم باشی و بی مسؤولیتی مقامات مسؤول در افغانستان استفاده کرده و از راه های قانونی در بین ده ها هزار جلد کتاب های گسیل داشته شان ، چند جلد کتاب مخرب و خانه برانداز را نیز ارسال میدارند به این امید که افغانها حوصله ندارند تا ده یا بیست هزار جلد کتاب را یک به یک از نظر بگذرانند و یا هم اگر فرضاً چنان کنند ، فرصت کافی ندارند تا همه کتاب های وارده را صفحه به صفحه مطالعه کرده و از نظر بگذرانند.

امان الله عبیدی رئیس اطلاعات و فرهنگ نیمروز امروز به رسانه ها گفت که این کتابها در حدود یکماه قبل توسط پنج تن از کتابفروشان شهر کابل از ایران وارد گردیده بود.

این کتاب فروشان که کتاب های متذکره را از ایران وارد افغانستان نموده اند ، به یقین کامل عاملین جمهوری اسلامی ایران هستند و مصارف خرید و ارسال کتاب ها هم از سوی آخذن ها پرداخته شده است و این پنج نفر به اصطلاح تاجر باید تحت تحقیق قرار داده شوند تا اصل قضیه روشن گردد.

وی گفت که این کتابفروشان ادعا دارند که همچو کتابها قبلاً هم وارد شده و هم اکنون در کتابخانه های شهر کابل وجود دارد و در نمایشگاه که سال قبل در شهر کابل از طرف ایران گشایش یافته بود این کتابها در آن به نمایش گذاشته شده بودند.

پس این جنابان از موجودیت کتاب های متذکره در داخل کشور و از اینکه سال قبل هم جمهوری اسلامی ایران تحت نام نمایشگاه کتاب ، همچو کتاب ها را وارد افغانستان نموده و حتی در شهر کابل هم به نمایش گذاشته اند و مقامات مسؤول در افغانستان از همچو جنابیتی بیخبر مانده اند و یا از آن چشم پوشی نموده اند ، نیز کاملاً مطلع بوده اند و

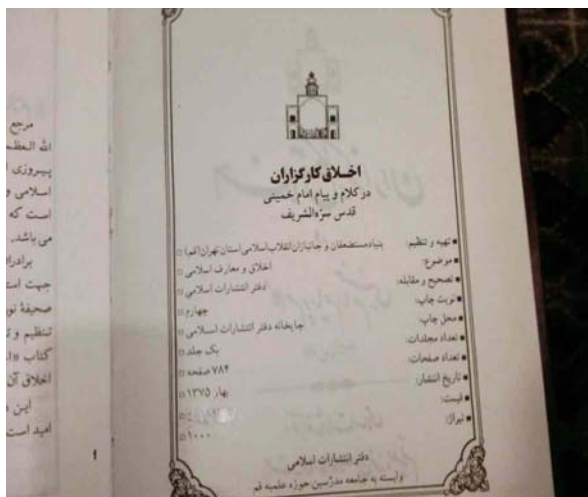
احساس خطر نمی کردند و....

عبیدی گفت که این کتابها ۱۶۰ عنوان است که از جمله ۱۵ عنوان آن مشکوک میباشد.

وی افزود: ((ما فردا عناوین این کتابها را به معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ میدهم و آنها در کمیته نظارت بر کتابها که ۱۳ عضو دارد آنرا بررسی نموده و در مورد آن تصمیم خواهند گرفت)).
قرار معلومات، کتابهای وارد شده به گمرک نیمروز در ۱۷۵ کارتین و ۶۱ بوری میباشد.

(اصلاح آنلاين) است کتاب های نا مطلوب را چنین گزارش داده است:

لیست کتاب های که در نیمروز ضبط شده اند:



۱. گفتار نراقی
۲. هزاره ها
۳. جنبش های اسلامی معاصر
۴. نهج البلاغه
۵. شکوفایی عقل
۶. اصول کافی
۷. شناسنامه ی افغانستان
۸. علوم قدرنی
۹. آموزش عقاید
۱۰. حقوق اساسی
۱۱. تفصیر موضوعی قرآن کریم
۱۲. اخلاق کارگزاران
۱۳. ترجمه ی غدیر
۱۴. کلام نور
۱۵. انسان به انسان

یک صفحه از کتاب نا مطلوب (اخلاق کار گزاران) را که (اصلاح آنلاين) منشر کرده است در اینجا آورديم تا هموطنان ما با دقت به آن نظر انداخته و به چشم و سر مشاهده نمایند که جمهوری اسلامی ایران در داخل کشور ما مشغول چه توطئه هائی هستند و چگونه میخواهند از همان آش گلو گیر که برای ملت آزاده ایران پخته اند و ایرانی های شریف را گلو و حلقوم سوخته اند ، برای ملت سرافراز افغان نیز ببزند و به خورد مردم شریف ما دهند. نه !! آخذک های شرف باخته ، نه !! این آش که شما پخته اید ما را سخت گلو گیر است ، عطای تان به لقای تان ، این آش گلو گیر ارزانی خود تان باد و ما اطمینان کامل داریم که دود این آش چشمان خود شما را کور خواهد کرد ، شما هرگز قادر نخواهید شد نظرات امام تان خمینی دجال را در سرزمین سوخته ما پیاده کنید. بگفته ایرانی ها ((اینرا دیگر کور خوانده اید .)